

رسم و رسوم کلی مقاله‌نویسی فلسفی

مهدی ماکه‌وان

۲ شهریور ۱۴۰۲

makhavan.ir

makhavan77@gmail.com

۱. اولویت اصلی پژوهش 'چگونه نوشتن' و چگونه به نتیجه مورد ادعا رسیدن است، نه 'چه نوشتن' و به چه رسیدن! (بقول دکارت 'گفتار در روش' و بقول قیصر امین پور: 'ساحل بهانه‌ای است رفتن رسیدن است!')
۲. موضوعی جدید و غیرتکراری که به آن علاقمندید و منابع قابل توجهی برای مطالعه دارد، انتخاب کنید.
۳. سطح مقاله خود را با نوع مسئله یا ادعا، منابع، سطح بحث، متناسب کنید. (علمی-پژوهشی، علمی-مروری، روزنامه‌ای - عمومی، دانشنامه‌ای). این سه مقام را هم در مقاله تفکیک کنید: ۱. گردآوری و گزارش، ۲. تحلیل (استخراج پیش‌فرض‌ها و لوازم یک نظر) و ۳. نقد و بررسی.
۴. 'ویترین مقاله'، عنوان و چکیده است. بیشترین وقت و دقت را برای آن بگذارید. عنوان مقاله معیارهای لازم را داشته باشد: کوتاه، دقیق و محدود و شفاف و برانگیزاننده، منطبق بر تمامی مقاله، جذاب، بهتر است دو بخشی باشد (عنوان و زیر عنوان).
۵. چکیده در یک صفحه بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ کلمه و حاوی مسئله، سیر بحث، پیشینه و پاسخ‌های دیگران و پاسخ و تحلیل خاص نویسنده باشد. اولین مطلب و آخرین مطلبی که می‌نویسید 'چکیده' باشد!
۶. ساختار صورتی مقاله فلسفی بهتر است پنج جزئی باشد: بیان موضوع و مسئله/ادعا، استدلال، اعتبار استدلال، صحت استدلال و نتیجه‌گیری. (نگ: مثل فیلسوف نوشتن، صص ۸۰-۸۵). و ساختار خاص هر مقاله بسته به پرسش مقاله متفاوت است.
۷. مقاله = ماده (یادداشت‌برداری‌های از منابع مربوطه + یادداشت‌های ذهنی و بارش‌های فکری) + صورت (ساختار و اسکلت).
۸. مقدمه مقاله مشتمل بر تقریر مسئله و طرح و صحنه‌آرایی (چیدن میدان بازی و پیشینه) بحث باشد.
۹. مهمترین ایده‌های مقاله را در جملات اصلی بنویسید و آنها را بسط دهید. و عناوین مقاله را مبتنی بر سؤالات فرعی مقاله طراحی کنید. (ساختار مقاله معادل سؤالات فرعی باشد).
۱۰. می‌توان گفت کل مقاله یک تز/مدعا/ایده اصلی دارد که در پاسخ به مسئله/پرسش اصلی. اگر مقاله مثلاً ۲۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای است و در هر صفحه ۳ پاراگراف وجود دارد، ۶۰ جمله اصلی (مشتمل بر یک ایده اصلی) حامی آن ایده اصلی است که باید آنها را بسط داده و به پاراگراف تبدیل کرد و پاراگراف‌ها (شامل پاراگراف‌های تعریفی، تقسیم‌بندی، توضیحی، استدلالی، آوردن شاهد مثال، مقایسه‌ای، نتیجه‌گیری، طرح مسئله، علی-معلولی) را بر اساس ساختار مقاله منظم و مرتب و جایگذاری کرده و با جمله‌های دیگری (پشتیبان، مثال، تقسیم، رابطه‌ای ..) تکمیل کرد. و جمله آخر پاراگراف هم تمهیدی است برای اتصال به پاراگراف بعد. انسجام مقاله در مرتبط و چسبانیدن درست و منطقی پاراگراف‌ها به هم به وجود می‌آید.

۱۱. به اندازه‌ای که دلیل و تبیین و توجیه دارید، ادعا کنید/ به اندازه دلیل خود ادعا کنید (پای را به اندازه گلیم دراز کنید و بقول مولانا: حد خود بشناس و بر بالا میر) و ادعاهای بی‌مبنا که اثبات ناشدنی است یا توضیح نمی‌دهید در مقاله فلسفی نیاورید.
۱۲. مهمترین سؤالی که در چینش جملات و پاراگراف‌ها پاسخ می‌دهید اینکه "جای آن در کجای متن است؟"
۱۳. توجه داشته باشید 'مخاطب اولیه' شما داور مقاله است و سپس مخاطبان! داوری که احتمالاً بی‌رحمانه و موشکافانه و حتی بنی‌اسرائیلی بررسی می‌کند و دو طرف ناشناس است.
۱۴. منابع را در سه دوره مطالعه و دسته‌بندی کنید: ۱. پیش از نگارش (مطالعات اولیه)، ۲. در حین نگارش، و ۳. آنها که واقعاً در مقاله به کار آمده و در متن استفاده شده و در منابع می‌آید.
۱۵. بی‌جهت تکثیر منابع و منبع‌سازی نکرده و منابعی که واقعا استفاده شده در منابع بیاورید. میانبرها و 'به نقل از' را اخلاقاً رعایت کنید.
۱۶. به سازگار و منسجم بودن مطالب خودتان و دیگران به عنوان بخش مهمی از نوشتار فلسفی توجه و از آن در نقد و تحلیل استفاده کنید.
۱۷. دوره‌های فکری یک مکتب و فیلسوف و نیز پروژه اصلی و تطورات فکری و مهمترین پرسش‌های فلسفی او را در ذهن داشته باشید.
۱۸. قبلاً مهارت‌های ابتدایی و کلی نگارش و ویرایش و نویسندگی را کسب کنید.
۱۹. با شگردهای کلی نگارش تحلیلی-فلسفی (استنتاج از طریق بهترین تبیین، تعریف، تحلیل، تمایز، ارجاع به شهود زبانی و اخلاقی و ... بر شمردن شروط لازم و کافی، یافتن خط اصلی استدلال و اشکال، برهان خلف، آزمایش فکری و سناریو، مثال نقض، پارادکس/تناقض‌یابی، دوراهی، استدلال دیالکتیکی، ..) آشنا باشید. (نگ: مثل فیلسوف نوشتن، صص ۱۴۱-۲۰۱).
۲۰. مهمترین و پرکاربردترین مغالطات را در ذهن داشته باشید تا خود مرتکب نشوید و در اشکال بر دیگران استفاده کنید. (پهلوان پنبه، تکرار مدعا، ...)
۲۱. در مقام گزارش یک نظر اینها را رعایت کنید: تفکیک مدعا و دلایل، دلیل هر مدعایی مربوط به همان مدعا باشد. توجه به مغایه پهلوان پنبه!، تفکیک مدعای سلبی و ایجابی: نظریه چه می‌گوید و چه نمی‌گوید؟ برای مرزبندی و تمایز نظریه‌های مقابل و متضاد را معرفی کنید. قهرمان‌های موافق و مخالف و کتابها و مقالات مهم هر نظریه و قهرمان کدام است؟ پس از نقد و سنجش‌ها باید پرسید: در نهایت ایده اصلی فلسفه این فیلسوف چیست و آیا درست است؟
۲۲. اصل بر نقل قول غیرمستقیم است مگر به دلیلی نقل قول مستقیم شود، آن هم در حدی کمتر از ۱۵۰ کلمه!
۲۳. با طرح پرسش‌ها و پیشنهادهای پژوهشی جدید به خواننده برای ادامه بحث کمک کنید.
۲۴. نگارش بقول مارتینیک بر پژوهش و مطالعه مقدم است! ایده ذهنی خود را بعد از مطالعات اولیه بنویسید و بعد اگر دیگران آن را تأیید می‌کنند ارجاع دهید و اگر رد می‌کنند نقل کنید و پاسخ دهید.
۲۵. مطالب حاشیه‌ای قابل حذف اما از نظر خودتان مهم را به پی‌نوشت و پانوش و پیوست ببرید.
۲۶. حتماً نسخه نهایی مقاله را به دوستان متخصص و عادی بدهید تا بخوانند و در مورد محتوا و صورت آن نظر بدهند، تا از اشکال‌های داوران غافلگیر نشوید.
۲۷. بهتر است ملاک‌ها و سنجه‌های داوری را در مجلات مختلف از قبل بدانید و متن را بر اساس انتظار آنها بنویسید.
۲۸. یکی از بهترین راه‌های مهارت‌یابی در نوشتن مطالعه مقالات خوب و بد است: ادب از که آموختی از بی‌ادبان!

توصیه های راسل در باب نگارش

چگونه می نویسم؟ راسل/ ترجمه نجف دریابندری از کتاب عرفان و منطق

من نمی‌توانم مدعی بشوم که می‌دانم چگونه باید نوشت یا اینکه یک منتقد خوب چه پندی باید بدهد که نوشتنم پیشرفت کند. بیشترین کاری که از دستم بر می‌آید آن است که چیزهایی دربارهٔ تلاشهای خودم نقل کنم.

من تا ۲۱ سالگی دلم می‌خواست کم و بیش به سبک جان استوارت میل بنویسم. از ساختمان جمله‌هایش و طرز مطلب پروراندنش خوشم می‌آمد اما در عین حال آرمان دیگری هم داشتم که گمان کنم ناشی از ریاضیات بود. ... اما در ۲۱ سالگی تحت تأثیر آدم دیگری قرار گرفتم و و لوگن پیرزال اسمیت، برادر زن آینده‌ام، بود..

هر تقلیدی خطرناک است.. گرچه تقلید محض همیشه مردود است، از آشنایی با نثر خوب فایدهٔ بسیار به دست می‌آید خصوصاً در پروراندن حسن وزن نثر.

دستورهای ساده‌ای هست می‌شود به نویسندگان نثر مرسل توصیه کرد:

اول: اگر کلمهٔ کوتاهی افادهٔ معنی کند هرگز کلمهٔ دراز به کار نبرید

دوم: اگر بخواهید جمله‌ای بنویسید که در ضمن آن ناچارید چندین معترضه بیاورید چند تا از این معترضه‌ها را در جملهٔ دیگری بیاورید.

سوم: نگذارید که آغاز جمله در خواننده انتظاری پدید آورد که در پایان جمله خلاف آن ظاهر می‌شود. مثلاً این جمله را در نظر بگیرید که ممکن است در نوشته‌ای در باب جامعه‌شناسی بیابید: "افراد انسانی از رفتار ناپسند کاملاً برکنار هستند، منتها فقط در صورتی که شرایط لازم معینی که جز نسبت کمی از موارد واقعی فراهم نمی‌شود، بر اثر حصول توافق دشواری بین اوضاع مساعد خواه فطری و خواه محیطی اتفاقاً منجر به تولید فردی شود که در او بسیاری از خصائص به نحوی که از لحاظ اجتماعی مفید است از حد عادی منحرف شده باشد". حالا بگذارید ببینیم این جمله را می‌توان به زبان آدمیزاد ترجمه کرد یا نه. من این را پیشنهاد می‌کنم: "همهٔ آدمها یا تقریباً همهٔ آدمها رذل‌اند. آنهایی که رذل نیستند هم از حیث نسبت هم از حیث تربیت بخت بلندی داشته‌اند". این جمله هم کوتاه‌تر است هم فهمیدنش آسانتر. و درست همان مطلب جملهٔ قبلی را هم بیان می‌کند. ولی متأسفانه باید بگویم اگر استادی به جای جملهٔ اول جملهٔ دوم را به کار ببرد از دانشگاه بیرونش می‌کنند.

.... من به استادهاى جوان پیشنهاد می‌کنم که نخستین اثرشان را به زبانی بنویسند که فقط چند نفر اهل اصطلاح آن را بفهمند. این کار را که کردند آنگاه می‌توانند هر مطلبی را که دارند به زبانی بیان کنند که همه "حالی‌شان بشود". در این ایام که حیات و ممات ما دست استادهاى دانشگاه است من جز این نمی‌توانم فکر کنم که اگر جنابان استادان پند مرا به کار بندند مستحق حق‌شناسی ما خواهند بود.